

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حمید بهشتی

۰۷ جون ۲۰۱۱

عزت الله سحابی، الگویی برای ملیون متدین

در حاشیه کنفرانس برلین (فروردین-حمل- ۱۳۷۹) که از جانب بنیاد هاینریش بل تحت عنوان "ایران پس از انتخابات" برگزار شد، از مرحوم عزت الله سحابی آگاهی یافتیم که در روزنامه برلینی تاگس اشپیگل مصاحبه ای با روزنامه نگار مردمی، اکبر گنجی منتشر گشته است. در آن مصاحبه گنجی که به اتفاق سحابی و گروهی از دگراندیشان ایرانی به این کنفرانس دعوت شده بود، گویا گفته بود: "خمینی به موزه تعلق دارد".

من بلافاصله دچار دلهره گشتم، زیرا بیم آن می رفت که پس از بازگشت شرکت کنندگان کنفرانس به ایران چه ها بر سرشان نخواهد آمد. در کوتاه ترین مدت گنجی متنی را برای تصحیح آن گفتار نوشت که پس از کاسته شدن حواشی و به صورت چکیده در همان روزنامه منتشر گشت.

با اینحال هم گنجی و هم سحابی و هم یکی دو تن دیگر از شرکت کنندگان کنفرانس پس از بازگشت به ایران به زندان افتاده و گنجی پس از تحمل اعتصاب غذائی طولانی توانست از زندان آزاد شود.

خود سحابی بعدها مجدداً به زندان افتاد و مجبور به تحمل ششادید بسیار و شرکت در برنامه اعتراف آمیزی در تلویزیون ایران گشت. بعدها وی در باره زمان اسارتش گفت که شرایط زندان در زمان جمهوری اسلامی بسیار سخت تر و تحمل ناپذیرتر بوده است تا اسارت وی در زمان شاه. او ۱۵ سال از عمر خود را زندانی سیاسی بوده است که ۱۲ سال آن را در زمان شاه و ۳ سال در جمهوری اسلامی گذرانده است.

عزت الله سحابی متولد ۱۳۰۹ در یک خانواده فرهنگی تهرانی، فرزند یک استاد دانشگاه که فارغ التحصیل فرانسه بود، در پایان دهه ۱۳۲۰ به تحصیل در رشته مکانیک پرداخت. وی در دوران دانشجویی از پیروان دکتر مصدق بود و در اوائل دهه ۱۳۳۰ به خاطر نشر اعلامیه هائی در افشای شرایط حاکم پس از کودتا به زندان افتاد.

وی به اتفاق پدرش و برخی از روشنگران مذهبی مقاومت علیه دولت کودتا را سازماندهی نمود. پلیس مخفی شاه، ساواک، به کمک سازمان سیا تأسیس و ایران را با اختناق سازمان یافته و بی سابقه ای مواجه ساخت. اما نهضت مقاومت ملی نیز به خوبی سازمان یافته بود و عل رغم تمامی مساعی ساواک توانست پیام های خویش را توسط شبنامه و اعلامیه به اطلاع عموم برساند.

دوران آیزنهاور در امریکا سپری گشت. کندی شاه را به انجام اصلاحات سطحی مجبور نمود. سازمان دانشجویان مسلمانی که سحابی در آن فعالیت کرده بود، در این بین پا به میدان سیاست نهاده بود. مصدق در ملک خویش در نزدیکی تهران در تبعید بود و اپوزیسیونی که در زمان اصلاحات نیم بند به وجود آمده بود، دچار چند دستگی بوده نمی دانست چگونه فعالیت نماید.

پدر سحابی به اتفاق برخی از روشنگران مذهبی حزب اسلامی نهضت آزادی را تأسیس نمودند. پیشوای آنها دکتر مصدق بود. به فاصله کوتاهی این حزب ممنوع گشت. هیأت مؤسسين و نیز اعضای شورای مرکزی آن دستگیر گشتند. سحابی نیز زندانی شد. زیرا باز هم مسؤلیت انتشار اعلامیه ها را بر عهده گرفته بود.

یکی از دستگیرشدگان این جمعیت، مهندس بازرگان بود که نقشی محوری در نهضت مقاومت ملی داشته، از مؤسسين نهضت آزادی بود. او در دفاعیات افسانه وار خویش در مقابل دادگاه نظامی گفت: شاه بداند ما آخرین گروهی هستیم که به راه مبارزه قانونی گام نهاده ایم. پیش بینی او درست از آب درآمده، ضرباتی چند از جانب گروه های متفاوت علیه شاه و عوامل او وارد شد.

هنگامیکه یکی از اعضاء رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران، محمد حنیف نژاد که بعدها در زندان اعدام گشت، از سحابی خواست که زندگی خویش را تغییر داده و با شرایط مبارزه مسلحانه وفق دهد، آشکار گشت که آن راه سحابی نیست. وی علی رغم سمپاتی و همگامی که با مجاهدین داشت، راه مبارزه قانونی را رها نکرد.

سراسر مبارزات او و یارانش با رژیم شاه بدین خاطر بود که آنها قانون اساسی و قوانین خویش را لگدمال می کردند. "قرارداد اجتماعی" برای آنها نقش بنیادی داشت. لذا پای نهادن به میدان خارج از قانون برای سحابی و یارانش مطرح نبود.

مسؤلیت اجتماعی و رفتار دموکرات منشانه وی از باورهای دینی اش نشأت می گرفت. با اینحال او همواره مبلغ این نظر بود که برای حفظ وحدت ملی کشور نه میتوان بر دین (اسلام) تکیه کرد و نه بر زبان (فارسی). زیرا که ایران کشوری است متشکل از اقوام مختلف که به زبان های متفاوت گفت و گو می کنند.

زندگی وی اثبات کرده است که افسانه ضرورت مرزبندی میان اخلاق و سیاست، عملاً فاقد مصداق است. کسانی که به اخلاق پایبند می باشند، مجبور نیستند خود را از سیاست کنار کشیده و کسانی که پا به میدان سیاست می گذارند مجبور نیستند معیارهای اخلاقی و وجدان خویش را کنار نهند.

نقش اخلاقی و سرمشق بودن سحابی پس از فوتش نیز همچنان مصداق داشته، هم برای خانواده و اطرافیان و هم برای همراهان وی ماندگار بوده و به ویژه برای دخترش هاله نقش ابدی دارد. هاله دو روز پس از فوت پدر، به هنگام مقاومت مسالمت آمیز در قبال تدفین غاصبانه جسد وی و به دنبال حمله یکی از عوامل رژیم ددمنش به قتل رسید. او که در حال سپری نمودن حکم زندانش بود، به خاطر بیماری پدر به طور موقت تازه از زندان آزاد شده بود که همراه پدر دار فانی را وداع گفت.

حمید بهشتی

۱۶ خردادماه ۱۳۹۰